

## مادینه پیکرک‌های سفالین قالبی ایلامی: جلوه‌ای از آیین‌ها و باورها<sup>۱</sup>

سیدرسول سیدین بروجنی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

### چکیده

درباره ماهیت وجودی مادینه پیکرک‌های سفالین انسان‌ریخت ایلامی نقطه نظرات متفاوت و متناقضی وجود دارد. پرسش‌هایی نظیر اینکه آنها نشانگر ایزدبانوانند یا بانوانند، انگیزاننده آرزوگینی‌اند یا نیایشگران مادینه‌اند، منزلت آنها پرستشگاه‌ها بود یا روسپی‌خانه‌ها، خانه‌ها بود یا قبور، دنیوی‌اند یا فرامادی، نذوراتی برای استجابت دعاها و خواسته‌هایند یا پشتیبان زنان باردار، عروسکان‌اند یا تندیسک‌های تزئینی، ایزدبانو منزلت‌اند یا پی‌نیکیر، ایزدبانو ایشتاراند یا کیریریشا، شکستگی آنها طبیعی است یا عمدی، اگر متعمداً شکسته می‌شدند در چگونه مراسمی؟ توسط معتقدان یا متخصصان و سرانجام اینکه کارکرد تحلیلی آنها چه بوده است؟ هنوز جواب قطعی داده نشده است. لذا این نوشتار از میان تمام ابهامات موجود تنها بر آن است که با ارائه دلایلی که شاید هر کدام به تنهایی نتواند دال بر آیینی بودن این پیکرک‌ها باشد از مجموع آنها به این فرجام برسد که آنها جلوه‌ای از باورهای ایلامیان بوده و آیینی هستند: ۱- مکان کشف؛ ۲- قالبی بودن پیکرک‌ها؛ ۳- تداوم ساخت بدون تغییرات کلی و ماهیتی؛ ۴- تأکید و غلو در نمایش عناصری نسبتاً ثابت در یک بازه زمانی طولانی؛ ۵- حضور و سیطره باورهای دینی در فرهنگ ایلامی؛ ۶- تأکید برجس مادینه و حضور فراگیر عناصر مادینگی؛ ۷- برهنه بودن؛ ۸- دست‌های گره شده زیر سینه‌ها در سبک ۱.

واژه‌های کلیدی: پیکرک، قالبی، مادینه، آیینی، دستهای گره شده.

### درآمد

هنرمند دشت شوشان با تأسی از فرهنگ فلات و فرهنگ و تمدن میانرودانی به ساخت و تولید پیکرک‌ها می‌پردازد و در

هنگامه‌ای که پیکرک‌سازی میانرودان رو به زوال گذاشته و مطرود می‌شود بعد از وقفه‌ای با شدت و حدت به کار خود ادامه می‌دهد. در دوره‌های اولیه ساخت پیکرک در دشت شوشان که همزمان با دوره‌های پیش ایلامی، آکادی، شیماشکی (همزمان با دوره اور ۳ (۲۰۰۴ تا ۲۱۱۲ پ م) است از تکنیک الصاق تکه‌های گل استفاده می‌شد. در این تکنیک عناصری مانند چشم، مو، گردن‌بند، و پستان به بدنی نسبتاً زمخت، افزوده؛ و جزئیات بیشتر با نقش کنده نشان داده می‌شد. سر با دماغ نیشگونی، بدون دهان، به سر پرنده‌ای شبیه می‌شد (اسپیکت ۱۸۳: ۹۳-۱۹۹۲) (تصویر ۱).

در پایان هزاره سوم پ م در میانرودان تکنیک استفاده از قالب‌های یک رویه ابداع گردید و چنان با موفقیت توأم شد که از آن پس تکنیک واقع‌گرایانه جای خود را به قالب‌های دست‌ساخت داد (اسپیکت ۱۸۴: ۹۳-۱۹۹۲). گسترش و فراگیری این تکنیک در منطقه باعث شد که اکثر قریب به اتفاق پیکرک‌های انسان‌ریخت ایلامی هزاره دوم، به‌ویژه مادینه‌پیکرک‌ها که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته‌اند به این روش ساخته شوند (تصویر ۲).

ماده اصلی ساخت این پیکرک‌ها گل رس است که قسمت اعظم و هسته مرکزی این پیکرک‌ها را تشکیل می‌دهد و بعد از پخت طیفی از رنگ قرمز تا نخودی پیدا می‌کند. پوشش آنها نیز از مواد معدنی خاصی است که بعد از پخت به رنگ نخودی درمی‌آید.

از لحاظ سبک، پیکرک‌های مادینه منفرد را می‌توان به دو سبک تقسیم کرد. سبک اول پیکرک‌هایی هستند که دستان خود را زیر سینه گره کرده‌اند و سبک دوم نیز پیکرک‌هایی هستند که دستان خود را حمایل سینه‌های خود کرده‌اند (تصویر ۳).

### مادینه پیکرک‌های قالبی منفرد: نمود آیین‌ها و باورها

شواهدی که ذهن ما را به سمت چنین نظری رهنمون کرده است عبارتند از:

- ۱- مکان کشف؛
- ۲- قالبی بودن پیکرک‌ها؛
- ۳- تداوم ساخت بدون تغییرات کلی و ماهوی؛
- ۴- تأکید و غلو در نمایش عناصری نسبتاً ثابت در یک بازه زمانی طولانی؛
- ۵- حضور و سیطره باورهای دینی در فرهنگ ایلامی؛
- ۶- تأکید بر جنس مادینه و حضور فراگیر عناصر مادینگی؛
- ۷- برهنه بودن؛
- ۸- دست‌های گره شده زیر سینه‌ها در سبک ۱.

#### ۱- مکان کشف

الف- همجواری با مکانی آیینی؛ ب- وجود تدفین در مکان کشف.

الف- یکی از مهم‌ترین ساختارهای یادمانی که در کاوش‌های هفت‌تپه کشف شد مجموعه‌ای است متشکل از دو آرامگاه گروهی، دو ایوان و حیاطی بزرگ موسوم به حیاط مرکزی. این مجموعه را کاوشگر هفت‌تپه معبد-آرامگاه نامگذاری کرده است. برخی از محققان نظر به نبود پیشینه، که مکانی واحد هم به‌عنوان معبد و هم آرامگاه مورد استفاده قرار گیرد، و همچنین نبود شواهد صریحی مانند کتیبه که بر این نامگذاری صحه بگذارد، ایراداتی را وارد آورده و به این انتساب بدیده تردید نگریسته‌اند؛ اما در خصوص آیینی بودن این مکان ظاهراً شکی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ چرا که انتساب هر کدام از نام‌های معبد، آرامگاه یا معبد-آرامگاه به این مجموعه، دلیل و گواهی بر آیینی بودن آن است.

کشف بیشترین تعداد پیکرک‌های قابل استناد با شبکه‌های کاوش از درون و اطراف این مجموعه، به‌ویژه بخش غربی، نشان از ارتباط اعتقادی و آیینی پیشکش‌کننده‌گان پیکرک‌ها، با این مجموعه آیینی دارد.

ب- کشف تعداد زیادی تدفین در محوطه بیرونی غرب این مجموعه که بیشترین تعداد پیکرک‌های قابل استناد با شبکه‌های کاوش را ارائه داده است، نشانه‌ای دیگر از آیینی بودن آنهاست. سرپرست کاوش هفت‌تپه در این خصوص اظهار می‌نماید: «بر روی قسمت غربی بقایای باستانی ساختمان تشریفاتی آرامگاه بخصوص محلی که دیوار خارجی قسمت غربی وجود دارد بقایای بسیار ساده و کوچکی از یک استقرار موقتی مربوط به اواخر دوره اشکانی و قسمتی از دوران ساسانی مشاهده می‌گردد... در زیر این آثار جدیدتر مربوط به دوران ساسانی آثار ساختمانی دیگری در جوار معبد-آرامگاه مربوط به دوران ایلام وجود دارد که عظمت و بزرگی ساختمان معبد را دارا

نمی‌باشند. در این ساختمان‌ها که در ترانسه‌های G.XVIII, E.XVII, F.XVII, G.XVII, کاوش واقع شده‌اند دیوارها به قطرهای متفاوت از نیم متر تا دو متر ساخته شده و قبور زیادی در اتاق‌ها در ضمن کاوش به دست آمد. متأسفانه بیشتر این قسمت‌ها در اثر عملیات هموارسازی برای مزارع نیشکر بسختی مضطرب و ویران گردیده است» (نگهبان ۱۳۵۶: ۴۴،۴۳).

اگر چه سرپرست کاوش به وضوح و روشنی درخصوص اینکه این پیکرک‌ها از تدفین، خانه یا معابر عمومی به دست آمده‌اند، اظهار نظر نمی‌کند ولی ما می‌توانیم یکی از احتمال‌های ممکن را که قرار دادن پیکرک‌ها در تدفین‌ها است مد نظر قرار دهیم. به‌ویژه آنکه در کاوش‌های شوش نیز اگر چه اندک، پیکرک‌هایی از این نوع در تدفین بزرگسالان و بچه‌ها به دست آمده است. مکتب در سال ۱۹۲۲ در صحن مرکزی قصر هخامنشی در کارگاه آپادانا یک گورخمره مربوط به دو کودک را کاوش کرد. او در RA شماره ۱۹ سال ۱۹۲۲ در صفحه ۱۳۳ چنین می‌نویسد: «در میان خمره‌های تدفینی متعدد یافته شده در اولین بخش از کاوش، قابل ذکر است که: ظرفی از سفال زرد رنگ که از داخل با قیر طبیعی اندود شده و با یک سفالینه سرخ رنگ واژگون شده بسته شده بود... در داخل آن بقایای دو کودک یافته شد و همچنین اسباب بازیها یا اشیاء نذری از جنس گل پخته که مانند آن بود که تازه از کارگاه سفالگر خارج شده‌اند؛ این اشیاء در برگیرنده سه پیکرک زن برهنه و آرایش شده و دارای آرایش سر عالی، در حال نگاه داشتن پستان‌ها، یک نوازنده برهنه ریشدار در حال نواختن ویول (= نوعی آلت موسیقی ذولاتار کهن شبیه به ویولن) شبیه به سه‌تار یا تنبور] و یک بستر کوچک دارای چهار پایه است» (اسپیکت ۱۹۹۲: ۱۷۰).

#### ۲- قالبی بودن پیکرک‌ها

نفس ساخت قالب و استفاده از آن، نشانگر مرحله‌ای تکاملی، در عرصه مناسبات فردی و اجتماعی است. نفس حضور، ساخت، کاربرد و تداوم استفاده از قالب، در بطن خود، مفاهیمی چون صرفه‌جویی در زمان، گرایش عمومی، سود بیشتر، ساخت سهل‌تر و مردمی بودن و مردمی‌تر شدن را به همراه دارد.

استفاده از کالاهایی که نیاز روزمره یا نیازهای اولیه و مادی انسان را برآورده می‌کند، مختص به زمانی خاص نبوده و از دیرباز وجود داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. عدم توجه به آنها زندگی و ادامه حیات انسان را با بحران و مشکل جدی مواجه می‌سازد. بنابراین انسان برای تأمین آنها به دلیل نیاز همگانی است از هیچ کوششی دریغ نکرده و مبادرت به تولید انبوه آنها می‌کند. اما عدم دسترسی و نبود برخی از کالاها، وجود فیزیکی و هستی مادی انسان را دچار مخاطره نمی‌کند، در این گونه موارد مواجهه با چنین کالاهایی که به صورت انبوه تولید شده‌اند، تأمل و اندیشه برمی‌انگیزد! به

راستی دلیل تولید انبوه آنها چه بوده است؟ آیا آنها واسطه‌ای برای ارضای این نیازها بوده‌اند؟! به‌طور مثال آیا آنها در تهییج و تحریک شهوت و آرزوگینی مردمان ایلام نقش بازی نمی‌کرده‌اند؟! گرچه وجود زوج برهنه هم‌بستر و نرپیکرک برهنه رقصنده و نوازنده در کنار این مادینه‌های برهنه می‌تواند این نظر را تقویت کند؛ اما در حال حاضر مدارک و شواهد دیگر اجازه نمی‌دهند که چنین برداشتی داشته باشیم.

به‌هرحال واقعیت تداوم ساخت پیکرک‌های قالبی، اشاره به گرایش عمومی و نیاز مبرم به نوع کالای تولید شده دارد. بنابراین اگر تولید آنها را بازتابی از جریان‌های اجتماعی و باورهایی که انسان برای خویش الزام‌آور می‌کند تا او را از آشفتگی‌های عصر خویش واره‌انیده و ملجاء و پناهگاهی برای او از حوادث و بلایای طبیعی، ناصلایمات زندگی، کمبودها و ... بشود، ندانیم چه چیز می‌تواند جای آن را بگیرد؟

### ۳- تداوم ساخت بدون تغییرات کلی و ماهیتی

قالب‌های یک رویه در پایان هزاره سوم پ‌م ظاهر شدند و چنان با موفقیت همراه بودند که از آن پس تکنیک واقع‌گرایانه جای خود را به قالب‌های دست ساخت داد؛ و از آغاز هزاره دوم نیز فراگیر شدند (اسپیکت ۹۳-۱۹۹۲: ۱۸۴) در این دوره طولانی ما شاهد تغییرات اندکی در نمایش عناصر اساسی پیکرک‌های مادینه هستیم. اگر چه در دوره «ایلام میانه» پیکرک‌هایی که دسته‌ای خود را زیر سینه در هم گره کرده‌اند جای خود را به زنانی که سینه‌های خود را نگاه داشته‌اند، می‌دهند. لیکن هر کدام از این دو سبک حدود چهار صد سال دوام می‌آورند. در این دوره بسیار طولانی ویژگی‌هایی مانند برهنگی، وضعیت ایستاده با پاهای بسته که حالت آرامش و سکون را القاء می‌کند، حمایل یا نوار آریب که از میان سینه‌ها عبور می‌کند در سبک ۱ و ۲، حمایل ضربدری در سبک ۲، دستان گره کرده در زیر سینه‌ها در نوع پیکرک سبک ۱، سینه‌های نگاه داشته شده توسط دستان بالا آمده به‌گونه‌ای که شست‌ها در طرفین و دیگر انگشتان در میان سینه‌ها مجاور هم قرار می‌گیرند، شکاف عمودی روی شکم در پیکرک‌های ایلام میانه، هلال‌های روی شکم که از دوره سوکلمخ تا اواخر ایلام میانه دیده می‌شود، نشان دادن سوراخ ناف، نشان دادن ناحیه شرمگاهی به‌صورتی که حالت مثلثی پیکرک‌های اولیه را القاء کند، وجود تزئیناتی چون النگو، خلخال، گردنبند، گلوبند (فقط دور گردن به‌صورت تنگ بسته می‌شده)، گوشواره، سرپوش، پیشانی‌بند همه و همه نشانگر این هستند که اعتقاد و سنتی راسخ در پاسداری از این نمادها فعال بوده است.

در دوره معاصر که تغییر و تطور بسیار شتابان و شگفت‌انگیز بوده و هر روز با آن مواجه هستیم باز هم تغییر در مسایل اعتقادی و مذهبی بسیار بطئی و کند صورت می‌گیرد. تاریخ نشان داده که

مسایلی از این دست فقط بر اثر ظهور عقیده‌ای جدید که توأم با غلبه نظامی و استیلای طولانی مدت همراه شود، می‌تواند در فرایندی بلندمدت که گاه به گذشت نسل‌ها می‌انجامد روی مسایل اعتقادی و دینی اثر گذاشته و به جایگزینی عقیده، دین، و مذهبی نو بیانجامد.

### ۴- تأکید و غلو در نمایش عناصری نسبتاً ثابت در یک بازه زمانی طولانی

«پیکرک‌های مادینه [حتی] در ساده‌ترین شکلشان به‌صورت شگفتی تداوم برهنگی را با تأکید بر خصیصه‌های زنانه به‌ویژه سینه‌ها، لمبرها، و کفل‌ها، به نمایش گذاشته‌اند» (گودرزی تبریزی ۱۹۹۹: ۱۳۷). ایلامیان نیز از این خصیصه فراگیر به‌دور نمانده و می‌بینیم که بر عناصری خاص تکیه و تأکید می‌کنند. آنها از همان ابتدای ساخت «انسان‌پیکرک‌های سفالین مادینه»، که بازه زمانی طولانی‌ای را در بر می‌گیرد، عناصری نسبتاً ثابت را حفظ می‌کنند. مانند وضعیت ایستاده پیکرک‌های مادینه، پاهای بسته که حکایت از آرامش و سکون دارد، گرفتن سینه‌ها با دست‌های بالا آمده در سبک ۲، دست‌های به‌هم پیوسته در زیر سینه‌ها در سبک ۱، نشان دادن ناحیه شرمگاهی، خط عمودی میان شکم، ناف، هلال‌های زیر ناف، استفاده از زیورآلات در دست‌ها، پاهای گردن، نوار حمایل تکی یا جناغی، تأکید بر سُرین، سینه‌ها، استفاده از پوشش سر عمامه مانند و ...

### ۵- حضور و سیطره باورهای دینی در فرهنگ ایلامی

در سراسر پادشاهی ایلامیان از سلسله اوان تا سلسله‌های ایلام میانه و سپس در دوران اخیرتر با نمونه‌های مکرری از ساخت، تعمیر و تزئین پرستشگاه‌ها و مکان‌های مذهبی برای الهگان و ایزدان روبه‌رو هستیم:

«[کوک-کیرواش (سوکلمخ)] می‌گوید پرستشگاهی را در شوش بازسازی کرد و گرد آن را دیواری تازه برآورد (کامرون ۱۳۷۲: ۶۶). [هوبان-نومنا] به تلافی سلامتی زنانش می‌شیمروه (Mishimruh) و ریشاپانلا (Rishapanla) پرستشگاهی برای این ایزدان برآورد. اونتاش-هوبان (Untash-Huban) ... به‌عنوان سازنده بنا به‌راستی آوازهای بلند یافت ... او شماره زیادی پرستشگاه، حرم‌ها و دیگر بناهای دینی در آکروپولیس شوش ساخت (همان، ص ۷۷).

وی [شوتروک-ناخونته] نیز چوب‌های برگزیده به شوش آورد، به لطف هومبان و اینشوشیناک روی آنها کار کرد و در پرستشگاهی که فراز آکروپولیس نهاده بود به اینشوشیناک، ایزد خویش ائحاف نمود (همان، ص ۸۱).

جزیره لیان به امپراتوری شوتروک-ناخونته تعلق داشت و او در آنجا پرستشگاهی را که روزگاری هومبان-نومنا برای کبیریریشا بر

آورده بود بازسازی کرد و باری دیگر به این ایزد بانو اختصاص داد (همان، ص ۸۲).

پادشاهی کوتیر- ناخوته در عیلام (۱۱۶۶-۱۱۷۰ پم) ظاهراً کوتاه مدت بوده است. وی فرصت آن را داشت که پرستشگاه کیریریشا در جزیره لیان را بازسازی کند و آن را برای سلامتی خود، همسرش ناخوته-اوتو (Nahhunte-Utu) و فرزندش وقف کند (همان، ص ۸۴).

وی [شیلهاک- اینشوشیناک] پرستشگاهی را که به مانزات و شیموت اختصاص داشت بازسازی کرد، و چون این آخری «ایزد عیلامی» بود توجه خاصی به او می شد» (همان، ص ۹۳).

اتحاف پیکره‌هایی از الهگان، ایزدان و پادشاهان به معابد و پرستشگاه‌ها نیز سنت و روش معمول بود: «اوتناش-هوبان تندیس از خود که از جنس سنگ آهک است را به هوبان و اینشوشیناک اتحاف کرد (همان، ص ۹۳). یک کتیبه عیلامی [ایلامی] به کسی که تندیس را پیدا کند و آن را نابود سازد یا نام ناپیراسو را که در کتیبه پاک کند یا بخراشد هشدار می دهد که خشم هوبان، کیریریشا، و اینشوشیناک بر او فرود خواهد آمد، و بلتی (Belti) ایزد بانوی بزرگ شهرت و خانواده را از وی دریغ خواهد داشت (همان، ص ۷۹). دیباجه کتیبه [شوتروک-ناخوته] به توصیف انتقال استلی از آیا (Aia) به شوش و اتحاف آن به اینشوشیناک می پردازد (همان، ص ۸۱).

وی [شیلهاک- اینشوشیناک] این استل را ... و برای سلامتی فرزندانش یعنی پسرانش... و دخترانش و ایشیکاریات (Ishikarbbat)، اورتوک-الهالاھو (Urutuk-Elhalahu)، اوتو-هیخی-پنیکیر (Utu-e-Hihhi-Pinikir)، و بار-اولی (Bar-Uli) نوشت (همان، ص ۸۶).

شیلهاک- اینشوشیناک بنای پرستشگاه اینشوشیناک را که برادرش آغاز کرده بود به پایان برد وی پیکره خود را که از آجر ساخته بود در کنار تندیس برادرش قرار داد و پیرامون پرستشگاه را با نقوش برجسته کوتاه که بر آنها نیایش او نقش شده که از اینشوشیناک می خواهد که به کرده نیک او به نظر لطف بنگرد دور گرفته است» (همان، ص ۹۳).

همه موارد یاد شده بر دو نکته تأکید دارد: نخست، فرمانروایان ایلام که رأس هرم قدرت را در اختیار دارند متدین و معتقد به ایزدستان (پانتئون) ایلامی هستند، لذا وجود این دیانت و اعتقاد را می توان با رنگ و لعاب بیشتر در میان عوام و اقشار مردم پذیرفت. حالت دوم اینست که تصور نمائیم که فرمانروایان ایلامی معتقد و متدین به خدایان نبوده بلکه به خاطر بقاء حکومت و اقتدار بیشتر، به ظاهر فریبی پرداخته و دست به این گونه اعمال زده‌اند که در این صورت نیز نشانگر اینست که عموم مردم اعتقادات شدید مذهبی داشته‌اند.

#### ۶- تأکید بر جنس مادینه و حضور فراگیرش

از میان ۳۱۶ قطعه پیکرک مورد بررسی در هفت تپه فقط ۱۳ عدد پیکرک‌های نرینه هستند. این تعداد در واقع ۴/۱۱٪ از کل پیکرک‌ها را تشکیل می دهد. این برتری نه تنها در پیکرک‌های مورد بررسی در میانرودان و شوش ایلامی دیده می شود، بلکه از ابتدای ساخت پیکرک‌های انسان ریخت نیز دیده می شود. در شرق نزدیک «اوج ظهور پیکرک‌های انسانی از دوره آکادی (۲۳۳۴-۲۱۵۴ پم) شروع شد؛ و از همان ابتدا، پیکرک‌های مادینه برهنه، فراوان و چهره غالب بودند» (اسپیکت ۱۸۴: ۹۳-۱۹۹۲).

#### ۷- برهنه بودن

به طور کلی در شرق نزدیک در دوران باستان ما با سه نوع برهنگی روبرو هستیم: ۱- برهنگی ای که نشانه اسارت است؛ ۲- برهنگی ای که نشانه مرگ است؛ ۳- برهنگی ای که نشانگر تقدس مذهبی است.

برهنگی ناشی از اسارت را در نقش برجسته‌های متعددی چون نقش برجسته صخره‌ای آنوبانی نی، پادشاه لوبوبی در سر پل ذهاب، و نقش برجسته سنگ یادبود دوره آکدی که تمام جزئیات بدن برهنه اسرا با دقت خاصی حجاری شده است (مورتگارت ۱۳۷۷: ۹۴، تصویر ۱۳۶، ۱۳۸)، مشاهده می کنیم (تصویر ۸).

برهنگی ناشی از تقدس مذهبی را می توانیم در «جام وارکا» (تصویر ۴)، لوح نذری سنگ آهک از تلو (مورتگارت ۱۳۷۷: تصویر ۱۱۴)، «لوح سیت شمش» (تصویر ۵)، مجسمه بی بنا (تصویر ۶)، «بر مهرهای ایلامی و نیز تعدادی اشیاء کوچک تزئینی از لایه‌های متعلق به دوره‌های شوش D به بعد تا پیش از تأسیس امپراتوری اکد، بر مهر اشیوم، فرماندار اشیوم حدود ۲۲۶۵ پم در زمان سلطنت «مانیشوشوسو»، که کاهنان برهنه را که اکثراً کلاه شاخدار دارند و در مواردی سربندی به شکل مار به دور سر بسته‌اند، نقش کنده بر روی قیر طبیعی که کاهنان برهنه را با یک بره قربانی که گرداگرد سرش جفتی مار حلقه زده‌اند، مشاهده کنیم» (مجیدزاده ۱۳۷۰: ۵۵).

جام وارکا دارای سه نوار تزئینی است. «سه نوار تزئینی گلدان بی تردید دارای موضوع واحدی هستند و تصویر جامعی از دسته‌های مذهبی و صف‌های طولانی اهداءکنندگان نذورات و حیوانات قربانی را نشان می دهند. مردی که سر دسته صف است... لباس توری بدن نما بر تن دارد و دو نفر او را همراهی می کنند... در نوار میانی تعداد زیادی خدمه برهنه به صورت دسته جمعی و در حال حمل سبدهای میوه و کوزه‌ها یا خمره‌های شراب حرکت می کنند. در پایین، گوسفند قربانی و زیر آن صحنه نمادین منشاء حیات، ردیف سنبله‌های جو و شاخه‌های خرما دیده می شود که گویی روی آب قرار دارند. این دسته مذهبی به حضور زنی شنل پوش با موهای انبوه و کلاه نوک تیز شاخ دار رسیده‌اند.»

او در مقابل دو پرچم حلقه‌دار در مدخل یا انباری که ظرف‌های محتوی هدایا در آن قرار دارد، ایستاده است... امروز تردیدی در مورد مفهوم واقعی این صحنه مرکب وجود ندارد. شخص الهه اینین یا جانشین او، کاهنه اعظم، به منظور بزرگداشت «ازدواج مقدس» داماد را در «روز جشن سال نو» به حضور می‌پذیرد (مورتگارت ۱۳۷۶: ۲۶).

لوح سیت شمش «طلوع خورشید» مثالی ملموس‌تر از برهنگی مقدس را به نمایش می‌گذارد. این لوح برنزی، در دوره «شیلهاک اینشوشیناک»<sup>۲</sup> ساخته شده و شامل دو مرد برهنه، دو پرستشگاه یکی دو طبقه و دیگری سه طبقه، یک میز هدایا، دو ستون، چند حوض و حوضچه، یک خمره بزرگ برای آب و چند درخت و کتیبه‌ای آکادی در گوشه صحنه است. دو مرد برهنه بر روی دو پای خود در حالت نیمه‌نشسته و نیمه‌زانو زده، یکی در حال ریختن آب بر دست‌های دیگری است و برای برگزاری مراسم آیین آماده می‌شوند. نفر دوم احتمالاً کاهن اعظم است (مجیدزاده ۱۳۷۰: ۸۶؛ هینتس ۱۳۷۱: ۷۳). درخت‌ها نشان‌دهنده بیشه مقدس است. این بیشه نیز توصیف «آشوربانی‌پال» را به خاطر می‌آورد که می‌گوید «بیشه‌های مقدسی که هیچ بیگانه‌ای در آنها نفوذ نکرده و به مرزهای آنها تجاوز نکرده است» (کامرون ۱۳۷۲: ۹۴).

«به‌نظر می‌رسد که کاهنان ایلامی در حین ادای وظایف مذهبی‌شان برهنه بوده‌اند. شواهد اصلی این ادعا نقشه‌ای روی مهر و دیگر اشیایی است که از طبقه بالای شوش یعنی اواخر هزاره سوم پام به‌دست آمده است. یک نقش کنده بر قیر مربوط به این دوران، دو کاهن برهنه و یک گوسفند قربانی را که میانشان نقش دو مار قرار دارد، نشان می‌دهد. کاهنان کلاه گیس دارند و این امر گویای آن است که باید سر تا پای خود را تراشیده باشند (هینتس ۱۳۷۱: ۷۳، ۷۲)».

آمیة در خصوص قطعه مذکور می‌گوید: «... در زیر زمین معبد الهه نین هورساگ [خورساگ] شوش کشف شده است. این قطعه دو نیایشگر برهنه بحال نیایش، در انتظار الهه می‌باشند (در سومر برهنگی مذهبی بجز در موارد شریاخوارگی مذهبی، معمول نبوده است). این دو شخصیت پهلوی هم می‌بایستی در مقابل الهه قرار گرفته بوده باشند، و در بین آنان دو مار بهم پیچیده و یک سگ که از مفهوم آن اطلاعی در دست نیست، دیده می‌شوند...» (آمیة ۱۳۷۲: ش. ۴۱).

#### ۸- دستهای گره شده در زیر سینه‌ها در سبک ۱

مراوده تجاری، سیطره نظامی، مهاجرت، ازدواج سیاسی و... از دیرباز بین ساکنان هر دو منطقه شوشان و میانرودان، تبادلات فرهنگی، عقیدتی، اجتماعی، هنری و مذهبی را به‌دنبال داشته است. حضور و رسوخ کیش‌ها و ایزدان و ایزدبانوان میانرودانی در دشت شوشان سابقه‌ای طولانی داشته و منجر به پذیرش برخی خدایان میانرودانی شده است. اما ایلامیان هیچگاه دست از پرستش خدایان محلی خود

برنداشتند. و مسلک‌ها و خدایان وارداتی را در اغلب اوقات، در قالب اعتقادات ملی خویش در آورده و در قالب خدایان بومی و محلی خویش ستایش کردند. درج نام ایزدان و ایزدبانوان میانرودانی در کتیبه‌ها، ساخت پرستشگاه‌ها و اختصاص آنها به این خدایان، از نمونه‌های بارز این تأثیر مذهبی در برخی مقاطع تاریخ ایلام است.

سنت ساخت پیکرک‌هایی که دستان خود را در زیر سینه‌هایشان گره کرده‌اند به‌طور متواتر در فرهنگ میانرودان، در دولت شهرهای سومری، سلسله اول اور، سلسله آکاد، سلسله لاگاش، سلسله سوم اور، و بابل قدیم دیده می‌شود. بسیاری از این پیکرک‌ها از پرستشگاه‌ها به‌دست آمده، و نیایشگران انسانی اکثراً نرینه ایستاده یا نشسته، با بالائنه برهنه یا نیمه برهنه و همچنین مادینه‌های ایستاده یا نشسته با بالائنه پوشیده یا نیمه برهنه (دست و شانه راست) را نشان می‌دهند (تصویر ۷).<sup>۳</sup> این ویژگی نه تنها در پیکرک‌ها بلکه در تندیس‌های نذری یادمانی، مانند تندیس‌های گودا، اوربا، و انتمنا از لاگاش، ایشتوم ایلوم، یوزور ایشتار، و ایتورشاماگان از ماری، شولگلی از اور، سارگون و نارامسین آکادی، پیکره منتسب به شمش با کتیبه جاسماه اداد، شاهزاده اشوننا و... نیز بروز و تجسم یافته است (تصویر ۹). این تأثیر را حتی در تندیس منتسب به شاهزاده اورارتویی سده ۷ یا ۸ پم می‌توان مشاهده کرد (گیرشمن ۱۳۷۱: ۳۰۰). مواد ساخت این نوع پیکرک‌های یادمانی از سنگ‌هایی (دیوریت، مرمر، زرد، صابون) است که معادن آنها کمتر در دشت میانرودان دیده می‌شود. پیکرک‌های ظاهراً مردمی‌تر از مواد در دسترس‌تر و سهل‌الوصول‌تر چون گچ ساخته شده است.

نمایش و ظهور اشخاصی که دست خود را زیر سینه‌هایشان گره کرده‌اند، که گویا بخشی از اعمال مناسک مذهبی و آیینی و تکریمی است؛ نه تنها در پیکرک‌های سفالین ایلامی، بلکه در نگارندهای ادوار مختلف ایلام مانند: کورانگون، کول فرح (نقش برجسته هانی)، اشکفت سلمان هانی و خانواده در حال برگزاری مناسک (تصویر ۱۰)، نگارکنده ایلامی نقش رستم (تصویر ۱۱)، تندیس‌ها (مجسمه برنزی ملکه ناپیراسو) تداوم یافته بلکه حتی پیش از آن در فلات ایران در پیکرک‌های شهداد در شرق ایران (تصویر ۱۲)، و تل باکون<sup>۴</sup> نیز وجود داشته است. وجود پیکرک‌های مادینه املش (گیرشمن ۱۳۷۱: تصویر ۳۲، ۴۸)، نرینه‌های زیویه (گیرشمن ۱۳۷۱: تصویر ۱۳۳، ۱۳۶) و مفرغ‌های لرستان (گیرشمن ۱۳۷۱: تصویر ۴۷۶) گواهی می‌دهد که در دوره‌های تاریخی ایران و کشورهای همجوار «اورارتو؟» (گیرشمن ۱۳۷۱: ۳۵۷) نیز این سنت ادامه پیدا کرده و حتی در پیکرک‌های اسلامی نیز نمود و تجلی می‌یابد (تصویر ۱۳).

#### سپاسگزاری

از استاد دکتر حکمت‌الله ملاصالحی که در اثنای پژوهش راهنمایی‌های ارزشمندی ارائه نمودند و زحمات بی‌شماری را

متحمل شدند، سیاست‌گذارم. از دوست بسیار عزیز و گرامی، پدram جم که در طی انجام پژوهش زحمت ترجمه متون فرانسه را متقبل شدند

و همچنین از آقای علی زلّقی برای در اختیار قرار دادن تصویر شماره ۱۰ تشکر می‌کنم.

#### پی‌نوشت‌ها

۱- این نوشتار برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «پژوهشی در پیکرک‌های سفالین هفت تپه و ابوفندوا» است که در سال ۱۳۸۲ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران ارائه گردید.

۲- پادشاه ایلامی از سلسله شوتروک‌ها (Shutrukids)، پسر شوتروک ناخونته (Shutruk-Nahhunte) و برادر کوتیرناخونته (Kutir-Nahhunte) بود.

۳- برای تصاویر بیشتر ر.ک. به (Parrot, 1983, Fig. 75, 131, 231, 521-831, 512, 322, 742).

۴- ر.ک. خانی ۱۳۸۲ تصویر ۵.

#### کتابنامه

#### الف) فارسی

- آمیه، پیر ۱۳۷۲ تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
خانی شهین ۱۳۸۲ «پیکرک‌های آیینی مؤتد در فلات ایران از قدیمی‌ترین ایام تا عهد ساسانیان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ سال هجدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۵، صص ۲۴-۳۵.  
کامرون، جرج ۱۳۷۲ ایران در سبیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.  
گیرشمن، رومن ۱۳۷۱ هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

و فرهنگی، چاپ دوم.

مجیدزاده، یوسف

۱۳۷۰ تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مورتگارت، آنتوان

۱۳۷۷ هنر بین‌النهرین باستان هنر کلاسیک خاور نزدیکه ترجمه زهرا باستی و محمدرحیم صراف، تهران: انتشارات سمت.

نگهبان، عزت‌الله

۱۳۵۶ «معماری هفت تپه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره مسلسل ۹۷ و ۹۸، صص ۴۴-۴۳.

هینتس، والتر

۱۳۷۱ دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

#### ب) غیر فارسی

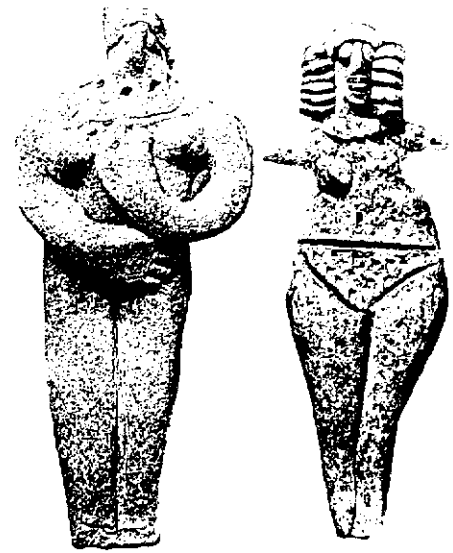
- Shoki Goodarzi-Tabrizi 1992-93 "Elamite terracotta figurines in the rosiocratic Egeptian Museum", in *The Iranian World, essays on Iranian art and archaeology Present to Ezat, O. Negahban*, Tehran: Iranian university press, P. 137.  
Spycket, Agnes, 1992 "les figurines de suse" *MDP (Memoires de la Delegation Archaeologique en Iran)*, tome LII, Mission de Susiane, Ville Royale de suse VI, volume I-les figurines humaines Ive-II millenaires AV. J.-C. P. 170.  
1992-93 "Popular art Susa Terracotta Figurines" *The Royal city of Susa, Ancient near eastern treasures in the Louver*, edit by Prudence O. Harper, Joan Aruz, and françoise Tallon, The Metropolitan museum of art, New York, distributed by Harry N. Abrams, New York, P.184.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





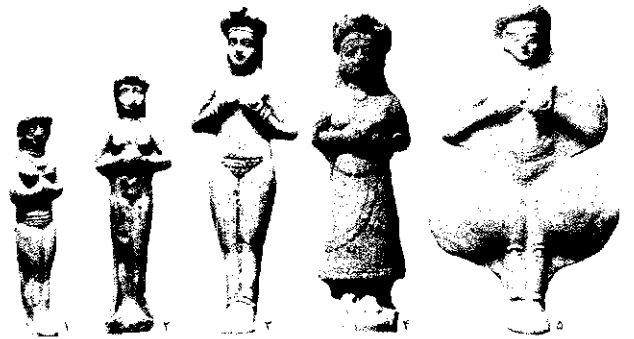
تصویر ۴. جام وارکا (ارتفاع ۱۰۵ سانتیمتر).  
Pl. 4. Warka Cup, (Height 105 cm).



تصویر ۱. چپ: پیکرک دوره اکادی؛ راست: پیکرک دوره شیماشکی.  
Pl.1. Left: A Figurine from Akkad Period;  
Right: Figurine from Shimashki Period.



تصویر ۲. چپ: پیکرک قالب گرفته توسط باستان شناسان؛  
راست: قالب همان پیکرک که توسط لفتوس کشف شده است (ارتفاع ۹/۹ سانتیمتر).  
Pl.2. Left: A Figurine Moulded by Archaeologists;  
Right: Mould of the Same Figurine Unearthed by K. Loftus,  
(Height 9.9 cm).



تصویر ۳. شماره‌های ۱، ۲ و ۴: پیکرک سبک ۱؛ شماره‌های ۳ و ۵: پیکرک سبک ۲.  
Pl.3. 1, 2 & 4) Style 1 Figurine; 3&5) Style 2 Figurine.

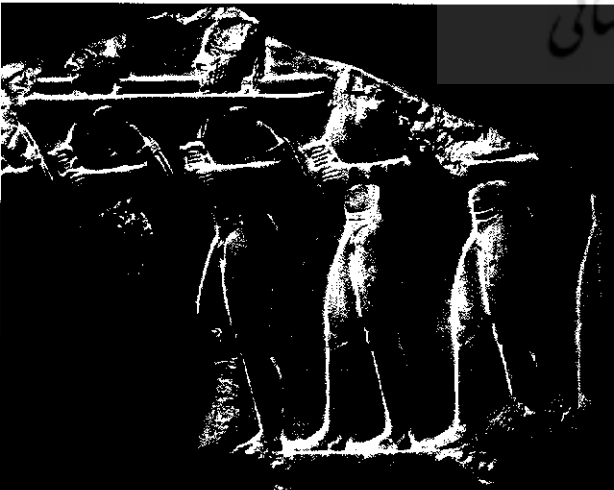


تصویر ۵. لوح طلوع خورشید. Pl. 5. Sunrise Plate.



تصویر ۷. پیکرک‌های گچی کشف شده از تل اسمر، معبد ابو (Abu)، میانرودان، (موزه مطالعات شرقی شیکاگو).

Pl. 7. Gypsum Figurines from Tell Asmar, Abu Temple, Mesopotamia, (Chicago Museum of Oriental Studies).



تصویر ۸. نگار کند سنگ یادبود اکادی.

Pl. 8. Sculptures depicted on Akkadian Stele.



تصویر ۶. تلو، خدای میانرودانی (حدود سده ۲۲ پ.م، ارتفاع ۲۰ سانتیمتر).

Pl. 6. Tello, Mesopotamian God (Ca. 22 Century B.C., Height 20cm).





Pl.9. Mesopotamian Stone Statues:

Right: 1. Mesopotamia, Tello, Sumerian Renaissance, Godea, 22 Century B.C., Diorite Stone, Height 1.40m, Paris, Louver;

Mid: 2. Shakanku, Ishtop Ilum, Height 1.52m, Aleppo Archaeological Museum.

Left: 3. Tello, Sumerian Renaissance, Ur-Ningirsu, Son of Godea, 21 Century B.C., Alabaster, height 54 cm, Paris, Louver, New York, Metropolitan Museum of Art.

تصویر ۹. تندیسهای سنگی میانرودانی:

چپ: ۱- تلو، دوره نوزایی سومر، گودا، سده ۲۲ پ.م، سنگ دیوریت، ارتفاع ۱/۴۰ متر، پاریس، لوور؛

وسط: ۲- شاکانکو ایشتوپ ایلوم، ارتفاع ۱/۵۲ متر، موزه باستان شناسی حلب؛

راست: ۳- تلو، دوره نوزایی سومر، اور- نینگیرسو، پسر گودا، سده ۲۱ پ.م، مرمر سفید، ارتفاع ۵۴ سانتیمتر، پاریس، لوور، نیویورک، موزه هنر متروپولیتن.



تصویر ۱۰. نگار کند شاه هانی با خانواده (ایزه، اشکت سلیمان).

Pl. 10. Sculpture of King Hani Accompanied by his Family, (Izeh, Eshkeft-i Salman).





تصویر ۱۲. پیکرک نرینه از گل پخته، شهداد (کرمان).  
Pl.12. Male Terracotta Figurine from Shahdad.



تصویر ۱۱. نگارکند ایلامی، نقش رستم، عکس از اشمیت  
(ORINST. P 57368-C5)

Pl. 11. Elamite Sculpture, Naqsh-i Rostam, Photo by Schmidt  
(C5- ORINST. P 57368).



تصویر ۱۳. پیکرک استخوانی از دوره اسلامی، استخر، عکس از اشمیت  
(ORINST. P 61333-F11)

Pl.13. Islamic Figurine of Bone, Istakhr, Photo by Schmidt  
(F11-ORINST. P 61333).